# تفاوت عبارت مقدمه تبیان و مجمع البیان

امروز میخواهم درباره عبارت شیخ دو نکته عرض کنم. عبارت شیخ این بود:

> و اعلموا ان العرف من مذهب أصحابنا و الشائع من اخبارهم و رواياتهم ان القرآن نزل بحرف واحد، علي نبي واحد، غير انهم اجمعوا علي جواز القراءة بما يتداوله القراء و أن الإنسان مخير باي قراءة شاء قرأ، و كرهوا تجويد قراءة بعينها بل أجازوا القراءة بالمجاز أذي يجوز بين القراء و لم يبلغوا بذلك حد التحريم و الحظر[1]

**«و اعلموا ان العرف من مذهب أصحابنا و الشائع من اخبارهم و رواياتهم ان القرآن نزل بحرف واحد، علي نبي واحد، غير انهم اجمعوا علي جواز القراءة بما يتداوله القراء»**؛ مرحوم طبرسی با کمتر از فاصله صد سال همین مطلب ایشان را با تغییراتی در عبارت مجمع خلاصه کردهاند. اولین نکتهای که میخواهم عرض کنم تفاوتهای ظریفی است که در تعبیر مرحوم طبرسی نسبت به تعبیر شیخ هست.

شما ببینید کلمه «غیر» در ذهن صاحب حدائق کاملًا نقش ایفاء کرده. یعنی ایشان از «غیر» فهمیده، بهمعنای «غیر» ممانعتی است. چرا؟ چون مذهب حرف واحد است. «غیر انهم اجمعوا»؛ چارهای نداشتند. از سر ناچاری است. نه از این باب که واقع قرائات متعدد شود. ایشان این جور فهمیدهاند. الآن اگر یک کلمه حرف را عوض کنید؛ همانطوری که مرحوم طبرسی کرده است. من عبارت مرحوم طبرسی را میخوانم شما ببینید چند فرق به ذهنتان میآید.

> فإذ قد تبينت ذلك فاعلم أن الظاهر من مذهب الإمامية أنهم أجمعوا علي جواز القراءة بما تداوله القراء بينهم من القراءات، إلا أنهم اختاروا القراءة بما جاز بين القراء، وكرهوا تجريد قراءة مفردة، والشائع في أخبارهم أن القرآن نزل بحرف واحد، وما روته العامة عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: نزل القرآن علي سبعة أحرف كلها شاف كاف، اختلف في تأويله، فأجري قوم لفظ الأحرف علي ظاهره، ثم حملوه علي وجهين. أحدهما: إن المراد سبع لغات مما لا يغير حكما في تحليل، ولا تحريم، مثل هلم، واقبل، وتعال. وكانوا مخيرين في مبتدأ السالم في أن يقرأوا بما شاءوا منها، ثم أجمعوا علي أحدها، وإجماعهم حجة، فصار ما أجمعوا عليه مانعا مما أعرضوا عنه، والآخر: إن المراد سبعة أوجه من القراءات، وذكر أن الاختلاف في القراءة علي سبعة أوجه أحدها: اختلاف إعراب الكلمة مما لا يزيلها عن صورتها في الكتابة، ولا يغير معناها نحو قوله

> (فيضاعفه) بالرفع والنصب[2]

**«فإذ قد تبيّنت ذلك»؛** یعنی  قرا ء را فهمیدی و این ده قاری را برای شما گفتم، روات آنها را گفتم، گفتم که اینها چقدر زحمت کشیده‌اند، حال که اینها معلوم شد بدان؛

**«فاعلم أن الظاهر من مذهب الإماميّة»؛** شیخ فرمودند (و اعلموا ان العرف من مذهب اصحابنا)؛ زیر کلمه مذهب خط بکشید. مذهب یعنی چه؟ کما اینکه قطب راوندی فرمودند «علی مذهبنا». اشاان هم می‌فرمایند: **«فاعلم أن الظاهر من مذهب الإماميّة»؛** صحبت سر مذهب است. خب مذهب امامیه چیست؟ شیخ فرمودند مذهب چیست؟ مذهب این است که قرآن بر واحد نازل شده است. بعد فرمودند «غیر انهم..».

مرحوم طبرسی جای اینها را عوض کرده‌اند. به جای اینکه بگویند مذهب این است که قرآن واحد است فرمودند مذهب این است که همه قرائات جایز است. دقت کنید. حال چرا اشان این کار را کرده‌اند؟ این «غیر» که این همه نقش داشت حذف شده است.

شاگرد: اشان به‌عنوان عبارت خودشان می‌گویند ای دارند نقل می‌کنند؟

استاد: قبل از آن فرمودند که من در اینجا نظر حسابی به تفسیر شیخ دارم. در جاهای مکرر هم می‌گویند. الآن هم که می‌گویند «قال الشیخ السعید» معلوم می‌شود که حرف شیخ را خلاصه کرده‌اند. این چیز روشنی است که مجمع بر تبیان نظارت تام دارد. اولش هم خودشان فرموده‌اند. همچنین گفته‌اند که من چرا مجمع را نوشته ام. فرمودند تبیان خیلی عالی است اما این مشکلات را دارد. حاج آقای بهجت می‌فرمودند آقای طباطبایی خودشان صاحب تفسیر بودند. من زدم آقای طباطبائی که صاحب تفسیر بودند از تفسیر مجمع خیلی تعریف کردم. گفتم در خوش سلیقگی و ... . بعد می‌گفتند وقتی وارد تفسیر می‌شوید جاهای بحث روشن است؛ القرائة؛ الحجة؛ الاعراب؛ شان نزول؛ المعنی. این خوش سلیقگی نه قبلش آمده و نه بعدش. می‌گفتند اشان خودشان صاحب تفسیر بودند، وقتی این را گفتم و تعریف کردم در جواب من این جمله را گفتند؛ فرمودند مجمع البیان از مفاخر شیعه است. مفخر شیعه یعنی مفخری است که در طول تاریخ شیعه مانده و می‌ماند. مجمع اینطور است.

لذا مرحوم طبرسی می‌فهمیدند که دارند چه کار می‌کنند. اگر تبیان این چیزها را نداشت من مجمع را نمی نوشتم. بلکه آن را درس می‌دادم، حاشیه می‌نوشتم، اما گوای نیاز بوده که تبیان را به نحو جدیدی بازنویسی کنند. ولی می‌فرمودند که ناظر به تبیان هستند. خب الآن در اینجا کلمه غیر را حذف کرده‌اند. غیری که نقش ایفاء می‌کند. در کلام اشان اصلاً جای مذهب عوض شده. فرموده‌اند:« **فاعلم أن الظاهر من مذهب الإماميّة أنهم أجمعوا على جواز القراءة بما تداولته القراء بينهم من القراءات**»؛ شبیه کلمه «غیر» که در اینجا معنایش کاملاً متفاوت است، «الا انهم» است. اشان «الا انهم» دارند اما معنای دیگری است.

---

[1]همان

[2]مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات ج ۱ ص۳۸

---

به روزرسانی شده 25 مه 2024 13:12:43 توسط ... .